

Research Article

Linguistic Functions and Semantic Relations in the Meccan and Madani Words of the Holy Qur'an

Saeed Zare¹, Mohammad Hossein Sharafzadeh^{2*}, Ameneh Zare², Saeed Hozouri³

Abstract

With the expansion of interdisciplinary studies, linguistics, which is the science of language study, as a science that has various applications in the humanities, also found a special place in the field of Qur'anic researches. One of the linguistic approaches to Qur'anic studies is structural semantics, which studies the Holy Qur'an in a new way. Therefore, this research, which has been done by content analysis method, seeks to study the words of the Holy Qur'an in the two groups of Meccan and Madani, extract linguistic functions and find cohesion or noncohesion of meaning between them. For this purpose, first the most frequent Meccan and Madani special words of the Holy Qur'an were extracted and after examining the lexical and semantic information by drawing tables and diagrams, the linguistic functions were extracted and their semantic relations were examined. The results of the studies showed that the language functions used in the two groups are different and the words studied in each group have a thematic and conceptual relationship.

Keywords: Qur'an, Linguistic functions, Madani words, Meccan words, Semantic relations

How to Cite: Zare S, Sharafzadeh MH, Zare A, Hozouri S., Linguistic Functions and Semantic Relations in the Meccan and Madani Words of the Holy Qur'an, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(57):111-132.

1. Ph.D. Candidate of General Linguistics, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

2. Assistant Professor, Department of Linguistics, Marvdasht Branch, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

3. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran

کارکردهای زبانی و روابط معنایی در واژگان مکی و مدنی قرآن کریم

سعید زارع^۱، محمدحسین شرفزاده^۲، آمنه زارع^۲، سعید حضوری^۳

چکیده

با گسترش مطالعات میان رشته‌ای، زبان‌شناسی که علم مطالعه زبان می‌باشد، به عنوان دانشی که کاربرد-های مختلفی در علوم انسانی دارد، در حوزه پژوهش‌های قرآنی نیز، جایگاه ویژه‌ای یافت. یکی از رویکردهای زبان‌شناختی مطالعات قرآنی، معناشناسی ساخت‌گرا است که با روشی نوین به مطالعه قرآن کریم می‌پردازد؛ لذا این پژوهش که به شیوه تحلیل محتوا انجام شده، بدنبال بررسی واژه‌های قرآن کریم در دو گروه مکی و مدنی، استخراج نقش‌های زبانی و یافتن انسجام یا عدم انسجام معنایی در بین آنهاست. بدین منظور ابتدا پربسامدترین واژه‌های خاص مکی و مدنی قرآن کریم استخراج و پس از بررسی اطلاعات واژگانی و معنایی با ترسیم جدول و نمودارهایی، کارکردهای زبانی استخراج شده و روابط معنایی آنها مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج بررسی‌های انجام شده نشان داد که کارکردهای زبانی استفاده شده در دو گروه، دارای تفاوت بوده و واژگان مورد مطالعه در هر گروه، دارای ارتباط موضوعی و مفهومی می‌باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، واژگان مکی، واژگان مدنی، نقش‌های زبانی، روابط معنایی

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۲. استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران
۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

قرآن، کتاب خداوند، معجزه جاوید پیامبر اسلام، از دیرباز نظر گروهی از دانشمندان و علماء را به خود جلب کرده و مورد ترجمه، تفسیر و بررسی قرار گرفته است. در زبان و ادبیات دینی مسلمانان، نگاشته‌هایی گران سنگ و فراوان درباره قرآن مجید برجا مانده است. بی‌گمان، در هیچ زمینه‌ای از پژوهش‌های اسلامی، به اندازه‌ای که دانشمندان و اندیشمندان مسلمان در این باره کتاب و رساله نوشته‌اند، چیزی نگارش نیافته است. وجود مجموعه‌های فراوان کتب تفسیری، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تاریخ قرآن، تاریخ تفسیر، سبب نزول، شأن نزول، ... گواه بر این مدعاست (انصاری، ۱۳۹۶: ۱۷۸-۱۶۱).

معناشناسی ساختگرای^۱ قرآن، روشی نظام‌مند برای تفسیر قرآن به قرآن است که معنای واژه‌ها را با استفاده از متن قرآن، و با توجه به روابط هم‌نشینی و جان‌نشینی، تعیین می‌کند. در معناشناسی ساختگرا، واحدهای مطالعه معنا، «واژه» و «جمله» اند. اگرچه در این روش، بر «بافت زبانی» که بر پایه روابط دستوری (نحوی) و معنایی واحد زبانی با واحدهای دیگر بنا شده، تأکید می‌شود، اما عملاً توجه به واحدهای زبانی «واژه» و «جمله» جدا از بافت و بدون توجه به کاربرد آن در متن است (صفوی، ۱۳۹۵: ۳۲، ۱۶۶، ۲۱۲).

آنچه در این پژوهش انجام گرفته، بررسی مقابله‌ای نقش‌ها یا کارکردهای زبانی^۲ و روابط معنایی^۳ واژه‌های قرآن کریم در دو گروه از واژه‌های مکی و مدنی و همچنین موضوع انسجام معنایی^۴ در بین آنها است.

سوالات تحقیق

با توجه به موضوع مورد بحث این پژوهش و اینکه ساختار، حاصل کلیه روابط عناصر تشکیل دهنده یک اثر با یکدیگر است و این ارتباط در برگیرنده کلیت آن اثر می‌باشد و نتیجتاً انسجام و یکپارچگی را موجب می‌شود، در پژوهش پیش رو نگارنده در پی یافتن پاسخ به این سوالات است که:

- ۱- چه نوع نقش یا کارکرد زبانی در واژه‌های مکی و مدنی قرآن کریم یافت می‌شود؟
- ۲- نقاط اشتراک یا افتراق نقش‌های زبانی یافت شده در هر دو گروه چگونه است؟
- ۳- با توجه به بررسی نقش‌های زبانی یافت شده، انسجام معنایی در داده‌های مورد نظر چگونه است؟

1. Structural Semantics
2. Language Functions
3. Semantic Relationships
4. Semantic Cohesion

پیشینه تحقیق

مطالعات ساختارگرایانه قرآنی

مطالعات ساختارگرایانه قرآنی خارجی

مطالعات زبان‌شناسی ساختارگرا در طی چند دهه چنان گسترش یافته که تأثیر خود را بر مطالعات قرآنی نیز گذارده است. از جمله محققین غیر ایرانی که به مطالعه (ساختارگرایانه) قرآنی اهتمام وافر نشان داده، ایزوتسو [و شاگرد او ماکینو شینیا]، زبان‌شناس، فیلسوف، اسلام‌شناس و قرآن‌پژوه ژاپنی (۱۹۹۳-۱۹۱۴) می‌باشد. وی علاوه بر اینکه قرآن کریم را به ژاپنی ترجمه کرده است دارای دو اثر قرآنی به نام‌های «خدا و انسان در قرآن» (۱۳۶۱) و نیز «مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن» (۱۳۸۸) است که در آن‌ها با رویکردی معناشناسانه به تبیین ساختار اساسی آموزه‌های قرآن پرداخته است (شریفی، ۱۳۹۲: ۸۱).

از دیگر آثار مرتبط با بررسی ساختار در قرآن کریم می‌توان به مقاله «شکل و ساختار قرآن» از نیوورث (۱۳۸۶: ۱۱-۳۲)، ترجمه و نقد اسکندرلو که در جلد دوم دایره المعارف قرآن لایدن به چاپ رسیده است اشاره نمود. در این مقاله، موضوعات مهمی از قبیل «رسمیت و مسئله سوره به عنوان واحد قرآنی»، «نتایج روش شناختی»، «ویژگی ادبی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی قرآن»، «طبقه‌بندی دوره-های وحی قرآنی»، «سجع و ساختارهای آیه به عنوان معیاری برای تاریخ‌گذاری نسبی»، «تقسیم‌های فرعی میان طبقات آیه»، «عبارات موزون»، «عناصر ساختاری سوره»، «سوگندها»، «آیات معادشناسی»، «آیات تکوینی»، «داستانهای عذاب»، «مجادله‌ها»، «احتجاج‌های دینی»، «آیات الاحکام»، «انواع سوره‌های مکی» و «انواع سوره‌های مدنی» را به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار داده است. همچنین اثر «به سوی تفسیر مدرن سوره کهف: ساختار و نشانه‌شناسی» از ریچارد نتون (۱۳۹۲)، ترجمه حری از جمله این پژوهش‌ها می‌باشد.

مطالعات ساختارگرایانه قرآنی داخلی

از آنجا که مطالعات زبان‌شناسی قرآنی از حوزه‌های مختلفی قابل بررسی است؛ رویکرد غالب در مطالعات علوم قرآنی داخلی، بررسی تناسب آیات است که البته اغلب پژوهش‌های تطبیقی، عناصر محتوایی سوره‌ها و انسجام مضمونی آنها، تناسب آیات از نظر محتوایی، فرم و شکل سوره را در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه و رساله دانشگاهی مورد بررسی قرار داده‌اند، که از میان آنان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

فقیهی‌زاده (۱۳۷۴)، در کتاب خود تحت عنوان «پژوهشی در نظم قرآن»، در سه فصل، به موضوعات زیر پرداخته است: جمع [آوری] قرآن، نظریه توفیقی [اجتهادی] بودن ترتیب آیات،

چگونگی چینش سوره‌ها، تناسب [آیات] و ابعاد آن، علل پراکنده‌نمایی قرآن و علل عدم تفکیک موضوعی در قرآن. همامی (۱۳۸۴)، با موضوع «درآمدی بر علم تناسب آیات با تأکید بر سوره جمعه»، به بررسی علم تناسب لفظی آیات، که یکی از زمینه‌های بررسی قرآن است پرداخته است. این موضوع، یعنی انسجام واژگانی در مقاله قیطوری (۱۳۸۵)، تحت عنوان «قرآن و گذر از نظم خطی: یک بررسی زبان‌شناختی»، مشاهده می‌گردد که به بررسی آراء مربوط به انسجام یا عدم انسجام در متن قرآن کریم پرداخته و چنین نتیجه گرفته است که خداوند چون بشر سخن نمی‌گوید و قرآن به منزله متنی غیر خطی و بی‌زمان در نظر گرفته می‌شود که ماهیت الهی خود را از طریق در هم شکستن مداوم بافت زمانی-مکانی و گذر از زبان خطی آشکار می‌سازد. میرباقری (۱۳۸۶) نیز به مانند همامی با تأکید بر یک سوره، در پژوهش «ارتباط آیات در سوره قرآن کریم با نگاهی به سوره التحريم»، با بررسی این سوره، به موضوع انسجام در قرآن کریم پرداخته و بیان داشته که قرآن کریم مجموعه‌ای منسجم است و این انسجام در سوره‌های قرآن قابل پی‌گیری است. هم چنین مقاله «ساختار سوره انشقاق» از دهقانی فارسانی (۱۳۸۷)، به بررسی تناسب ساختار مضمونی این سوره با سوره‌های مجاور پرداخته و در بخشی از آن، موضوع فواصل آیات یعنی نظم آهنگ واژه‌های سوره و ارتباط آن با مضامین آیات را نیز بررسی کرده است و نیز مقاله «بررسی تناسب آیات و محورهای آن در سوره مبارکه طه» از حجتی (۱۳۸۸)، به بررسی تناسب آیات و محورهای موضوعی در سوره مبارکه «طه» به عنوان نمونه پرداخته شده است. همچنین مقاله «پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم» از لطفی (۱۳۹۰)، بر اساس نظریه انسجام هلیدی و با نمونه‌های مختلفی از سوره‌ها، مولفه‌هایی چون ارجاع، حذف، جانمایی و... را در سطح کل قرآن بررسی می‌کند. از جدیدترین کارهای ساختارگرایانه انجام شده بر روی قرآن می‌توان به پژوهش آریان‌فر و آهنگ (۱۴۰۰) با موضوع «سبک‌شناسی واژگانی «وعده» در سوره مکی و مدنی» اشاره کرد. در این مقاله پس از بیان مفهوم سبک‌شناسی و تفاوت آیات و سوره مکی و مدنی، آیاتی از قرآن کریم را که حاوی واژه «وعده» و هم خانواده‌های آن در دو گروه مکی و مدنی هستند به تفکیک بررسی شده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش حاضر در این است که این پژوهش فقط یک واژه «وعده» و هم خانواده‌های آن مورد مطالعه قرار گرفته است در حالی که در پژوهش حاضر یک واژه خاص مد نظر نبوده و واژگان بسیاری که دارای بسامد بالا بوده‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تشابه این دو، در پوشش مطالعاتی تمامی آیات قرآن کریم می‌باشد.

همانطور که در بالا ذکر شد اغلب پژوهش‌های تطبیقی، عناصر محتوایی سوره‌ها و انسجام مضمونی آنها را مورد بررسی قرار می‌دهند در حالی که با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی کارکردهای زبانی و روابط معنایی در قرآن کریم می‌باشد، لذا می‌توان وجه اشتراک برخی از کارهای انجام شده با موضوع این پژوهش در خصوص مطالعه عناصر محتوایی سوره‌ها و انسجام مضمونی را در

اشتراک عملکرد بر یافتن انسجام مضمونی و ارتباط مفهومی در کل قرآن کریم دانست؛ چرا که هر دو رویکرد در پی مطالعه تمامی متن قرآن می‌باشد. وجه افتراق آنان نیز در نوع انجام فرایند پژوهش است. در پژوهش‌های انجام شده پیشین، عوامل انسجام متن در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است؛ اما پژوهش پیش رو، به دنبال مطالعه کارکردهای زبانی واژه‌های مکی و مدنی در بافت زبانی و روابط معنایی آنان می‌باشد تا مسأله انسجام در قرآن کریم را مورد مطالعه قرار دهد.

نتایج به دست آمده از مطالعات و جستارهای انجام شده توسط دیگران و بررسی آنان با رویکرد این پژوهش، حاکی از آن است که سبک و شیوه انجام پژوهش حاضر بکر و جدید بوده و تاکنون سابقه مطالعاتی نداشته است.

مبانی نظری تحقیق

زبان، متن^۱، گفتمان^۲ و بافت^۳

شاید در وهله نخست بتوانیم درباره زبان و ماهیت آن به راحتی سخن بگوییم؛ اما با دقت و تأمل متوجه خواهیم شد که این موضوع مقوله چندان ساده‌ای نیست. این سهل و ممتنع بودن شاید به این دلیل باشد که ما آن را به راحتی کسب کرده‌ایم؛ به عبارتی چون قوه نطق در آدمیان به ودیعت نهاده شده، مثل همه اموری است که به خاطر در دسترس بودن، از آن غافلیم.

در زبان‌شناسی در تعریف زبان می‌گویند: «زبان، نظام طرح‌مندی از علائم صوتی قراردادی است که مشخصه‌های ویژه «جابه جایی»، «انتقال فرهنگی»، «خلاقیت»، «دوگانگی» آن در نظام ارتباطی حیوانی کمیاب یا نایاب می‌باشد» (اچسون، ۱۳۷۶: ۲۶).

در این رابطه، متن، گفتمان و بافت چند موضوع مرتبط با زبان و مورد توجه در علم زبان‌شناسی می‌باشند. اصطلاح «متن» در نقد جدید، مسأله پیچیده‌ای شده است که به خاطر تداخل آن با اصطلاحات دیگری چون گفتمان می‌باشد.

اگر بخواهیم مؤلفه‌های اصلی و ذاتی اصطلاح متن را از پژوهش‌های زبان‌شناسان مختلف استخراج کنیم، در وهله نخست جنبه نوشتاری آن مطرح است. متن یعنی «هر خطاب (گفتمان) ثبت شده به واسطه نوشتار» (فضل، ۱۹۸۷: ۲۹۷). «برخی زبان‌شناسان کوشیده‌اند تا معنای متن را از خلال جنبه نوشتاری آن آشکار نمایند؛ به ویژه وقتی که متن شکل متوالی خطی با رابطه دیداری بر کاغذ باشد. این معنا را در پژوهش‌های شورت و لیچ می‌توان یافت» (یقطين، ۱۹۸۹: ۱۲).

-
1. Text
 2. Discourse
 3. Context

در خصوص گفتمان نیز زبان‌شناسان زیادی سخن گفته‌اند. آنها عموماً در تعریف گفتمان آن را کاربرد زبان در بافت دانسته‌اند (براون و یول، ۱۹۸۹: ۸۵-۶۵؛ ون دایک: ۱۳۸۲). تعریف دیگری از گفتمان مربوط به بنونیست (۱۹۷۰: ۱۸-۱۲) است که در این زمینه می‌گوید: «گفتمان یعنی به کارگیری زبان به واسطه عمل استعمال فردی». او در این تعریف ما را با سه نکته مهم مواجه می‌کند. یکی نقش کارکردی گفتمان است که در بکارگیری زبان تجلی می‌کند. دیگری حضور «فردی» که به واسطه عمل زبانی تحقق می‌یابد؛ و در آخر جنبه استعمال زبانی که می‌توان آن را نوعی جستجو در انباشته‌ها و حافظه‌های جمعی و فرهنگی دانست که به واسطه همان عمل زبانی، فردی می‌گردند (شعیری، ۱۳۸۵: ۱۲).

سجودی (۱۳۸۷: ۱۷۱) در ارتباط با اینکه تحلیل گفتمان شامل صورت نوشتاری یا گفتاری زبان می‌شود به نقل از ون دایک (۱۹۷۷) آورده است که او وارد کردن متن‌های نوشتاری به حوزه تحلیل گفتمان را مفید می‌داند؛ اما در همان حال معتقد است به دلایلی تعمیم مفهوم گفتمان کار ساده‌ای نیست. مهم‌ترین مشکلی که او در این نوع تعمیم می‌بیند این است که در گفتگو تعامل وجود دارد و شرکت‌کنندگان در گفتگو می‌توانند نسبت به هم واکنش نشان دهند؛ اما در مورد متن نوشتاری این تعامل چندان آشکار نیست. سرانجام برای آن که به هر حال متون نوشتاری را نیز در حوزه کار تحلیل‌گر گفتمان حفظ کند با این مشکل کنار می‌آید.

البته باید توجه داشته باشیم که زبان خود یک نظام باز است نه بسته، و طبق کارکردهایش در بافت‌های مختلف، متفاوت است. برای شناخت مفهوم آن باید به بافتی که در آن به کار می‌رود توجه نمود (اچسون، ۱۳۷۶: ۲۶).

بافت دو گونه است: بافت زبانی و بافت موقعیت. بافت زبانی همان است که به کلمه یا عبارت معنای ویژه در کلام یا متن می‌بخشد و ابهام کلمه را از بین می‌برد؛ اما بافت موقعیت موجب رفع ابهام از جمله‌ها و متون می‌شود. پس بافت به این معنا از آنچه که به توالی آواها و واژه‌ها معروف است فراتر می‌رود و علاوه بر آن شامل فضای محیطی و روانی حاکم بر گوینده و شنونده می‌گردد. بنابراین بررسی متن زبانی و فهم عمیق آن به شناخت عوامل بافتی نیازمند است که در رأس آن فرهنگ، محیط و وضع اجتماعی قرار دارند. گراهام هوف این مسأله را چنین بیان می‌کند: «خوانش شعر، خارج از بافت آن هرگز خوانش به حساب نمی‌آید» (هوف، ۱۹۸۵: ۵۲).

انسجام^۱ و پیوستگی^۲ از مباحث مهم تحلیل گفتمان است. هلیدی را می‌توان پیشگام زبان‌شناسی متن دانست. او دیدگاه‌های خود را در کتاب درآمدی بر دستور نقش‌گرا (۲۰۰۴) درباره متن و بافتار

متنی آورده است. او همچنین پیشتر (۱۹۷۶: ۴) به همراه رقیه حسن کتاب انسجام در زبان انگلیسی را منتشر کرد. از نظر آنها انسجام از خلال سخن در باب ماهیت متن و تمایز آن از «نامتن» مطرح می‌شود. انسجام همان ویژگی بارز متن است و همان چیزی است که جملات پی در پی را از طریق روابط پیشینی و پسینی میان آنها به یکدیگر مرتبط می‌سازد؛ اما روابط نحوی آنهاپی هستند که به «پیوستگی» منجر می‌شوند.

بیان در قرآن

پرواضح است که موضوع علم زبان‌شناسی زبان است و این موضوع از نظر قرآن دور نمانده است. یکی از پدیده‌هایی که قرآن با آیات روشنگر، آن را در مناسبت‌های متعدد و عبارات مختلف مطابق حال و مناسبت بیان نموده واژه بیان است که می‌توان دلالت کلی و غایت‌والای آن را در آغاز سوره الرحمن آیات ۱ تا ۴ مشاهده کرد: «الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴)». نیک‌اندیش (۱۳۷۹: ۲۹) در تعریف لغوی بیان آورده است که از ریشه «بین بان» گرفته شده است و ارباب لغت در معنی لغوی بیان و مشتقات آن اظهارات مختلفی دارند که روی هم رفته نظراتشان بهم نزدیک است. وی پس از ارائه آراء و نظرات گوناگون نتیجه می‌گیرد که بیان یعنی کشف و آشکار کردن چیزی بدون ارائه حجت و معنی آن، شامل نطق و غیرنطق می‌گردد و وسیله‌ای است برای روشن کردن چیزی که اغلب با فصاحت نیز همراه است.

لفظ بیان و مشتقات آن در آیات بسیاری از قرآن کریم دیده می‌شود که در بعضی جاها وصف برای قرآن و در بعضی جاها وصف چیزهای دیگر است. در خصوص وصف قرآن، برای ارائه دلیل از خود قرآن به آیه: «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ»^۱ استناد می‌شود.

قرآن و بافت موقعیت (شأن نزول)

شأن نزول از موضوعات مرتبط با تحلیل گفتمان و بررسی متن، می‌باشد. العموش (۱۳۸۸: ۸۸) بیان می‌کند که شأن نزول بیانگر اسباب نزول است و در میان مباحث قرآنی از همه بیشتر به این بحث یعنی بررسی رابطه بین متن و دلالت پرداخته می‌شود. در حقیقت این همان چیزی است که در زبان‌شناسی جدید تحت عنوان تحلیل گفتمان و بررسی رابطه بین متن و بافت مطرح است. شأن نزول کاشف این رابطه است و به صورت‌های متعدد در برگزیده دو نوع بافت است: بافت زبانی و بافت موقعیت. وی در ادامه مطلب فوق بیان می‌کند که کتابهای علوم قرآنی به این اشاره دارند که هر آیه یا مجموعه‌ای از آیات به خاطر علت خاصی نازل شده‌اند که نزولش را الزامی می‌کرده است و آیاتی که بدون علت نازل شده‌اند واقعاً اندکند.

قرآن پژوهان دریافته بودند که سبب یا مناسبت مشخص همان چیزی است که چارچوب موقعیت را مشخص می‌نماید که فهم آیه یا آیات از خلال آنها ممکن است. آنها حتی به این دریافت رسیده بودند که توانایی مفسر بر فهم متن، ناگزیر باید مسبوق به شناخت حوادثی باشد که این متون را به وجود آورده‌اند. این مسأله از خلال شرایطی که برای مفسر وضع می‌کنند پیداست.

شناخت اسباب نزول تنها به قصد ثبت رخداد‌های تاریخی نیست که شکل‌گیری متن را فراگرفته است، بلکه هدف، فهم متن و استخراج دلالت آن است. «علم به اسباب موجب علم به مسبب می‌شود» (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۶۵).

مطلبی که در این خصوص شایان ذکر است بحث آیات «مکی و مدنی» می‌باشد [که در تحلیل و تفسیر گفتمان و متن قرآن بسیار تأثیر گذار است]. شاید تفکیک بین مکی و مدنی در متن، تفکیک میان دو مرحله مهم به شمار آید که در شکل‌گیری متن چه در سطح مضمون و چه در سطح ترکیب و ساخت، سهیم بوده است. لذا هیچ دلالتی نیست جز این که متن، محصول تکامل با واقعیت زنده تاریخی است. اگر علم به مکی و مدنی پرده از نشانه‌های کلی این تعامل بر می‌دارد، علم به «اسباب نزول» ما را به مراحل دقیق شکل‌گیری متن در واقعیت و فرهنگ آگاه می‌نماید (حجتی، ۱۳۶۵: ۵).

دانشمندان علوم قرآنی غالباً معیار مکانی را برای فرق میان آیات مکی و مدنی قائل هستند و آیاتی را که در مکه نازل شده چه قبل از هجرت چه بعد از هجرت به مدینه، مکی، و آیاتی را که در مدینه نازل شده، مدنی می‌نامند. معیار دیگر در تفکیک بین مکی و مدنی معیار مخاطبان متن در هر یک از دو مرحله قبل از هجرت و بعد از هجرت است. بر این اساس، مکی آن است که خطاب به مردم مکه هر چند که در مدینه نازل شده و مدنی آن است که خطاب به مردم مدینه هر چند در مکه نازل شده باشد. معیار دیگر، معیار زمانی است که آیات قبل از هجرت مکی، هر چند در مدینه نازل شده باشند و آیات پس از هجرت مدنی، هر چند که در مکه نازل شده باشند (العموش، ۱۳۸۸: ۹۸).

ابوزید پیشنهاد می‌کند که معیار تقسیم بندی از یک سو به واقعیت تکیه نماید و از سوی دیگر به متن. به واقعیت از آن جهت که حرکت متن با حرکت آن مرتبط است و به متن از حیث مضمون و ساختار آن. چون حرکت متن در واقعیت، آثارش در دو سوی متن ماندگار می‌شود. لذا معیار تقسیم‌بندی همان تفکیک بین دو مرحله تاریخی است که هجرت، میان آن دو فاصله می‌افکند. پس مکی آن است که قبل از هجرت نازل شده باشد و مدنی آن است که پس از هجرت، چه در مکه نازل شده باشد و چه در مدینه (ابوزید، ۱۹۹۶: ۹۲).

ساختگرایی و روابط معنایی

معناشناسان ساختگرا در چارچوب روابط معنایی به مطالعه معنا می‌پردازند. کاربرد چنین شیوه‌ای برای کشف روابط معنایی دیرین است. از منظر کاربران این شیوه، ساختار زبان متشکل است از یک

شبکه پیچیده و در هم تنیده از روابط همنشینی و جانشینی. در این میان، معناشناسی ساختگرا، گونه‌ای از مطالعه معناشناسانه است که روابط میان مفاهیم را باز می‌نماید. چنین مطالعه‌ای مستلزم توجه به دو نوع رابطه در میان کلمات یک زبان است؛ یکی رابطه میان واحدهای همنشین و دیگر رابطه میان واحدهای جانشین (افراشی، ۱۳۸۱: ۲۸).

معناشناسانی که این روش را به کار می‌برند، برای توصیف دقیق‌تر معنای واژه، مفهوم آن را تجزیه و مولفه‌های معنایی آن را از هم تفکیک می‌کنند (باقری، ۱۳۸۰: ۱۶۷؛ صفوی، ۱۳۸۳: ۲۸۰). آنگاه می‌کوشند که این مطلب را بیابند که هر یک از این مولفه‌ها با دیگر مولفه‌های معنایی واژه، چه نوع رابطه‌ای برقرار کرده است. معناشناسان گونه‌های متنوعی از این روابط را باز شناسانده‌اند. (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۳۲). حوزه واژگانی و تقابل معنایی از اصطلاحات معناشناسی ساختگراست. مکاتب معناشناسی براساس جغرافیا، هویت یا روش، دسته‌بندی‌های متفاوتی دارند که معناشناسی ساختگرا یکی از انواع مکاتب براساس روش است. این مکتب در سده اخیر، در معناشناسی زبانی، برای بررسی بخش درون زبانی معنی واژه‌ها اتخاذ شده است. در این مکتب صرفاً به مسأله دلالت درون زبانی توجه می‌شود و به دلالت ارجاعی و تمایز میان زبان و معنی دایره‌المعارفی و میزان اعتبار آن کاری ندارد؛ یعنی به دنبال روابط واژه با واژه می‌رود، نه واژه با جهان خارج (لاینز، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

به تعبیر ایزوتسو، حوزه معناشناختی زمانی به وجود می‌آید که دو مفهوم کلیدی، کاملاً در مقابل یکدیگر قرار گیرند. شناخت مقابل‌های هر واژه در روشن شدن معنای آن مؤثر است؛ زیرا مفاهیم متضاد، هر کدام با واژگان دیگر ترادف دارند و نظام واژه‌ای می‌سازند (ایزوتسو، ۱۳۸۸: ۲۹۸). کریستال، معناشناسی ساختگرا را گونه‌ای از معناشناسی معرفی می‌کند که بر پایه اصول زبان‌شناسی ساختگرا و در چارچوب روابط معنایی به مطالعه و توصیف معنا می‌پردازد. معناشناسی واژگانی ساختگرا در مقابل واجشناسی ساختگرا و صرف ساختگرا و... قرار می‌گیرد (همان: ۱۵۲).

در مکتب ساختگرایی، سه نظریه یا نگرش اصلی برای دستیابی به معنای دقیق واژه‌ها و مفاهیم یک زبان مطرح شده‌اند؛ نظریه حوزه واژگانی، تحلیل مؤلفه‌ای و تحلیل رابطه‌ای. تقابل معنایی در ذیل تحلیل رابطه‌ای قرار می‌گیرد. تحلیل رابطه‌ای، روابط مفهومی را بررسی می‌کند. عمده‌ترین روابط مفهومی عبارت‌اند از شمول معنایی^۱، هم‌معنایی^۲، تقابل معنایی^۳، جزءواژگی^۴ (گیرتس، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۹۷). نظریه میدان‌های معناشناسی ایزوتسو برگرفته از نظریه حوزه معنایی وایسگربر است. نظریه حوزه معنایی طرحی است که از آراء وایسگربر نشأت گرفته است. بر پایه این رهیافت، زبان دارای

-
1. Hyponymy
 2. Synonymy
 3. Antonymy
 4. Meronymy

سطح میانی است که حدفاصل میان ذهن و جهان خارج قرار دارد و الهام بخش مفهومی استعاری با نام حوزه واژگانی یا حوزه معنایی است. با فرض این مطلب که جهان خارج، مجموعه‌ای از اشیاء و رویدادهای موجود در این جهان مادی است، زبان در حد فاصل میان این جهان و واقعیت‌ها و مفاهیم ذهنی ما درباره این جهان قرار می‌گیرد. از این رو حوزه واژگانی، در بردارنده مجموعه‌ای از اقلام واژگانی است که از نظر معنایی با یکدیگر در ارتباط و وابسته به هم هستند. این معانی در کنار یکدیگر شکل دهنده ساخت مفهومی دامنه مشخصی از واقعیت‌های جهان خارجند (لاینز، ۱۹۸۱: ۲۵۰؛ و گیرتس، ۱۳۹۵: ۲۰-۲۱ و ۱۳۱).

این روش [«میدان معنایی»] که برداشت شده از مکتب ساختگراست، برای یافتن میدان معنایی، مراحل زیر را در نظر می‌گیرد: (۱) فهم ابتدایی کلمه، از جمله معنای اساسی و سپس نسبی، (۲) پیدا کردن کلمات کلیدی در متن و یا شناخت کلمه کانونی و (۳) پیدا کردن ساخت تصویری یا مجموعه کلی با کمک چینی معنادار. در این شکل از معناشناسی، هر کلمه کلیدی در هر مرحله از سیرش، تعدادی از کلمات کلیدی سطح بعدی را در پیرامون خود گرد می‌آورد و یک یا چند حوزه معناشناختی می‌سازد. تجزیه مفهوم کلیدی به تعدادی عناصر و اجزای ذاتی (مؤلفه‌های معنایی) که با آن اشعاب مفهومی کشف شود، گام بعدی است؛ چرا که کلمات تنها و منفرد به کار نرفته‌اند، بلکه در میان خود گروه‌های گوناگون بزرگ و کوچک می‌سازند و این گروه‌ها با هم از راه‌های مختلف پیوند می‌گیرند (همان: ۵۶-۵۴). در این نظریه، معنی بر حسب روابط موجود میان واژه‌ها و روابط همنشینی و جانشینی و نیز رابطه متقابل آن‌ها بررسی می‌شود. مفهوم همنشینی چیزی جز ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل دهنده زبان نیست، در حالی که اصطلاح جانشینی رابطه یک عنصر با سایر عناصری است که می‌توانند به جای آن به کار برده شوند و یا جایگزین شوند (پالمر، ۱۳۸۵: ۱۵۹). احصای همنشین‌ها و جانشین‌های یک واژه در قرآن، در حقیقت بازنمای نگرش جامع قرآن و به عبارت دقیق‌تر، جهان‌بینی قرآنی در کاربرد یک واژه است و در مرحله بعد، با تحلیل منطقی مصادیق و مفاهیم آن واژه می‌توان به یک نگرش سیستمی از یک کل دست یافت که اجزا و عناصر آن، همه با یکدیگر در ارتباط و دارای رتبه و درجه هستند (قراملکی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۷-۹۹). در این پژوهش جهت کشف معانی و بررسی انسجام معنایی، فقط بافت زبانی و روابط معنایی واژه‌های قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته‌اند و از توجه به بافت موقعیت و شأن نزول آیات صرف نظر شده است.

نقش‌ها یا کارکردهای زبانی

در تجزیه و تحلیل گفتمان، پیام اصلی جمله یا سخن، مورد نظر است و به شکل ظاهری آنها کمتر توجه می‌شود. جملات یکسان ممکن است حاوی کارکردهای متفاوت باشند. همچنین نقش‌های یکسان می‌تواند با جملات مختلف بیان شود و این بدان معنی است که عوامل بسیاری در نظام

گفتمانی دخالت دارند. بافت و موقعیت مهمترین عاملی است که در فهم گفتمانی و تعیین نقش گفتار مؤثر است. به عبارت دیگر بسته به ملاحظات فرا زبانی نظیر موقعیت یا بافت، نوع جمله یا سخنی که در متن مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. تعیین «نقش» یا کارکرد اجزای تشکیل دهنده متن، هدف مهمی است که در تجزیه و تحلیل متنی دنبال می‌شود.

فهمیدن مفهوم دقیق هر واژه، جهت تعیین نوع نقش یا کارکردی که از نظر زبانی ایفاء می‌کند با توجه به معنا و مفهوم آن واژه ممکن است؛ در واقع با توجه به معنایی که راجع به واژگان در اختیار داریم کارکردی را که ممکن است بر آنها مترتب شود تعیین می‌کنیم. بنابراین در تحقیق حاضر، بررسی واژگان براساس مراجعه به ترجمه آنها صورت گرفته است که برای این منظور از قرآن کریم، ترجمه آن و کتب لغوی مربوطه استفاده شده است.

آنچه مسلم است نقش اصلی زبان برقراری ارتباط می‌باشد؛ یعنی افراد جامعه برای آگاهی از مقاصد یکدیگر و ایجاد تفاهم از این ابزار به خوبی بهره می‌گیرند. اما این، همه نقش زبان نیست. بلکه نقش‌های دیگری را نیز می‌توان برای آن برشمرد. هلیدی (۱۹۸۵: ۵۰) که خود پیشگام مکتب نقش-گراست سه نقش عمده در زبان قائل است:

۱- عمل کرد (یا نقش) اندیشگانی که ضمن آن شخص تجربه و احساس خویش از عالم خارج را بیان می‌کند.

۲- عمل کرد بینابینی (یا میان فردی) که گوینده یا نویسنده از قضیه‌ای استفاده می‌کند تا با دیگران ارتباط برقرار کند.

۳- عمل کرد متنی که ضمن آن گوینده یا نویسنده پیامی را که مبتنی بر دو عمل کرد قبلی است به صورت گفته یا نوشته (یا صورت ممکن دیگر) سازمان می‌دهد و به دیگران منتقل می‌کند. هر یک از این عمل کردها می‌توانند به صور مختلفی ادا شوند. به عبارتی این سه عمل کرد بیانگر کارکردهای مختلف زبان در موقعیت‌های گوناگون می‌باشند.

کارکردهای ذکر شده در زیر، همان نقش‌های زبانی است که در تحقیق مرادی (۱۳۸۸) و زارع (۱۳۸۹) در تجزیه و تحلیل آیات جزء ۲۷ و ۲۸ قرآن کریم استفاده شده است. در حقیقت این نقش‌ها همان سه نقش اصلی هلیدی می‌باشند که به صورت خرد، جزئی و ملموس در آمده و مبنای کار پژوهشی ما قرار گرفته‌اند؛ با این تفاوت که در دو پژوهش فوق، آیه یا بخشی از آیه جهت کشف معنا مورد بررسی قرار گرفته است؛ ولی در پژوهش حاضر کارکردهای زبانی، از دل واژه‌ها و محل کاربردشان در آیات قرآن کریم بیرون کشیده شده‌اند و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

۱. توصیف، ۲. نتیجه‌گیری، ۳. سؤال، ۴. تأکید، ۵. سوگند، ۶. انذار، ۷. استدلال، ۸. انکار، ۹. اشاره، ۱۰. شرط، ۱۱. نفرین، ۱۲. دعوت، ۱۳. ندا، ۱۴. احتمال، ۱۵. آرزو، ۱۶. بشارت، ۱۷. امر، ۱۸. ملامت، ۱۹. استثناء، ۲۰. نهی، ۲۱. وعده، ۲۲. تسلی

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به اینکه انجام پژوهش فعلی با قصد بررسی کارکردهای زبانی واژه‌های مکی و مدنی قرآن کریم از دیدگاه معناشناسی صورت می‌گیرد، هدف نگارنده تجزیه و تحلیل واژه‌های این دو گروه از آیات از لحاظ معنایی و کاربردی، یافتن بار معنایی در زبان عربی و نیز کشف تأثیر یا عدم تأثیر روابط واژگانی بر معنا است.

به منظور تشخیص بنیادین یا برتری یک مفهوم در متن، معیارهای مختلفی مطرح شده است که معیار آماری و وحدت قاموسی دو نمونه از پرکاربردترین آن‌هاست. در این روش، واژه‌هایی که بیشتر تکرار می‌شوند، مرکزی و آن‌ها که کمتر تکرار شده‌اند، حاشیه‌ای به حساب می‌آیند (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۴: ۷-۳۸). این معیار بر این اصل استوار است که هر اندازه مفهومی نزد گوینده (یا گویندگان) اهمیت بیشتری دارد، فراوانی و تنوع واژگان بیشتری نیز دارد؛ یعنی مورد توجه و تأکید بیشتر قرار می‌گیرد (اُرشولد و همکاران، ۲۰۰۴: ۳۳۵-۲۸۹).

در تحقیق حاضر، پژوهش بر روی واژه‌های خاص از هر گروه صورت گرفته است؛ به عبارتی، گزینش واژه‌ها بدین صورت بوده است که مبنای فراوانی، از بالاترین فراوانی تا فراوانی ۲ در کل متن قرآن کریم در نظر گرفته شده است، که بر این اساس ۱۷۰ واژه تماماً مکی و ۴۷ واژه تماماً مدنی از قرآن استحصاء شده است. برای نشان دادن مکان قرارگیری واژه‌ها در قرآن از اعداد استفاده شده است؛ بدین صورت که عدد سمت راست دو نقطه (:) گویای شماره سوره و عدد سمت چپ آن گویای شماره آیه در آن سوره می‌باشد.

جهت استخراج واژگان، از کتاب معجم الاحصائی، نگارش روحانی (۱۳۶۸) و جهت بررسی معانی، ریشه‌یابی و اطلاعات دیگر از کتب لغوی المفردات نگارش راغب اصفهانی، واژه‌های قرآن و جهت بررسی نقش‌های زبانی علاوه بر استفاده از دو کتاب فوق از ترجمه قرآن کریم به قلم مکارم شیرازی نیز استفاده شده است.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها بدین صورت است که ابتدا برای هر واژه پس از بیان نوع واژه (اسم یا فعل) و جزئیات آن، بیان صیغه یا شخص، ریشه، مکی یا مدنی بودن و فراوانی آن، به سراغ معنای واژه رفته و بر اساس معنای یافت شده، نقش یا نقش‌های زبانی ارائه شده توسط واژگان مورد مطالعه، بیان

می‌گردد. پس از اتمام کار استخراج اطلاعات فوق بر روی تمامی واژگان مکی و مدنی مورد نظر، اطلاعات بدست آمده را در جدولی جمع بندی و سپس جهت تبیین بیشتر و گویاتر نتایج حاصله، از نمودارهایی استفاده می‌شود. در پایان نیز با توجه به اطلاعات موجود، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته و به سوالات مورد نظر این پژوهش پاسخ داده خواهد شد.

این تحقیق برای یافتن نظام معنایی در قرآن کریم از روش «میدان معنایی» استفاده می‌کند که از مصادیق تفسیر قرآن به قرآن محسوب می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۶۱: ۱۵). به سخن دیگر، ما به کمک اطلاعات موجود در جدول و آمار کسب شده از نمودارها، بدنبال پاسخ به سوال مهم این پژوهش می‌باشیم و آن موضوع وجود یا عدم وجود رابطه معنایی بین واژگان هر یک از دو گروه مورد بررسی در این پژوهش است. روش «میدان معنایی» ایزوتسو همان روشی است که مفسرین بنام ما، از جمله علامه طباطبایی در تفسیر قرآن و استنتاج ارتباط یا عدم ارتباط معنایی آیات از آن بهره می‌برده‌اند.

البته از اهداف ساختگرای، تحلیل و بررسی روابط درون متنی و دلالت متنی واژه‌های آیات مذکور می‌باشد که از اهداف مهم این پژوهش نیز می‌باشد؛ به عبارتی، آنچه پژوهشگر انجام خواهد داد بررسی واژه‌ها، درون متن و سوای تأثیر عوامل برون متنی بر آنان خواهد بود.

در زیر نمونه‌ای از نحوه استخراج و چینش اطلاعات که بر روی تمامی واژگان مورد نظر انجام شده، ارائه می‌گردد:

• حَسَفَ

بر وزن فَعَلَ؛ فعل ماضی، ثلاثی مجرد، لازم، مفرد مذکر غایب؛ ریشه: خس ف؛ مکی؛ فراوانی: ۲ (۲۸: ۸۲) (۷۵: ۸)؛

(به زمین) فرورفت، محو کرد (رضایی، ۱۳۶۰: ۴۸)، (به زمین) فرورفت (مفردات: ۸۳۲)؛
نقش/کارکرد زبانی: نتیجه گیری، وعده.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

از آنجا که در زبان عربی حرف مبنی یا به عبارت دیگر بدون تغییر ساختاری و صرفی می‌باشد، لذا این پژوهش فقط شامل بررسی اسامی و أفعال بوده و بررسی حروف از آن مستثنی می‌شود. در این پژوهش در مجموع ۲۱۷ واژه مورد بررسی قرار گرفت که ۱۷۰ واژه مکی و ۴۷ واژه مدنی بودند. اگر این واژگان را با توجه به فراوانی و تکرارشان که مورد مطالعه هم قرار گرفتند به شمار آوریم تعدادشان به ۵۴۶ عدد واژه می‌رسد که از این تعداد ۱۳۰ عدد واژه فعل و ۴۱۶ عدد واژه اسم می‌باشند. به عبارت گویاتر ۲۴٪ سهم أفعال و ۷۶٪ سهم اسامی می‌باشد؛ این بدین معناست که کاربرد اسامی سه برابر سهم أفعال در واژگان قرآن است.

پس از استخراج اطلاعات بر اساس روش ارائه شده در بالا، نتایج در جدول (۱)، که میزان کاربرد نقش‌های گوناگون زبانی با توجه به واژگان مورد مطالعه را نشان می‌دهد، جمع بندی شده است. این جدول شامل ۲۴ نقش زبانی، فراوانی و درصد کاربرد آنهاست که در دو گروه واژگان مکی و مدنی مورد مطالعه، یافت شده است. از این ۲۴ نقش زبانی، ۲۳ مورد در واژگان مکی و ۱۸ مورد از آنها نیز در واژگان مدنی بکار رفته است. در مجموع ۴۹۴ نقش زبانی در واژگان مکی و ۱۰۸ نقش زبانی در واژگان مدنی مشاهده گردید.

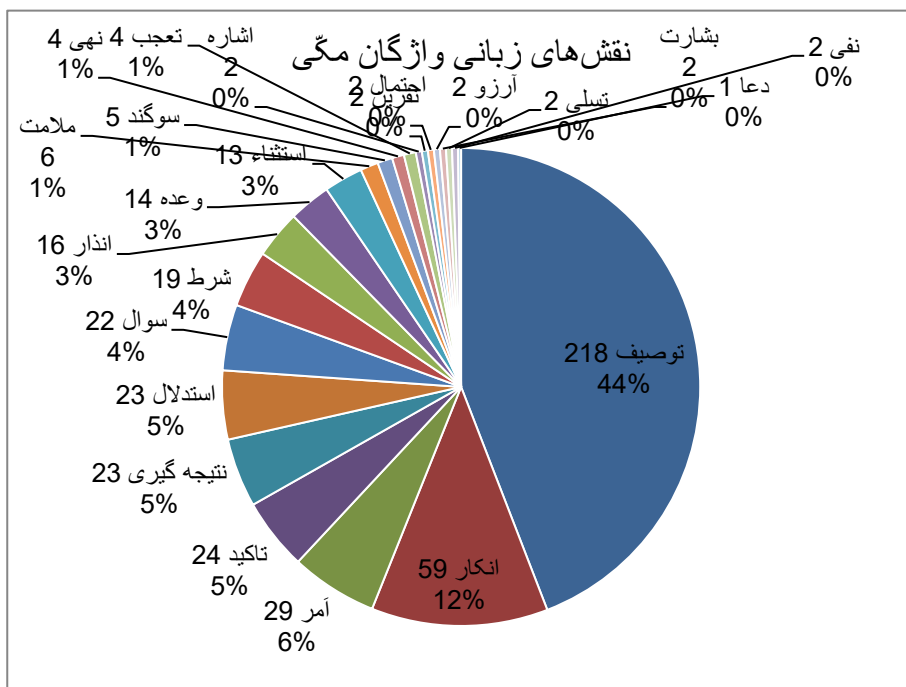
جدول ۱. توزیع نقش‌های زبانی واژگان مکی و مدنی

فراوانی (درصد)		نقش زبانی	فراوانی (درصد)		نقش زبانی
مدنی	مکی		مدنی	مکی	
	۵ (۱)	سوگند	۳۰ (۲۸)	۲۱۸ (۴۴)	توصیف
۵ (۵)	۴ (۱)	نهی	۲ (۲)	۵۹ (۱۲)	انکار
	۴ (۱)	تعجب	۲۰ (۱۹)	۲۹ (۶)	امر
۱ (۱)	۲	اشاره	۸ (۷)	۲۴ (۵)	تأکید
۲ (۲)	۲	نفرین	۸ (۷)	۲۳ (۵)	نتیجه‌گیری
۱ (۱)	۲	احتمال	۷ (۶)	۲۳ (۵)	استدلال
	۲	آرزو		۲۲ (۴)	سوال
۵ (۵)	۲	بشارت	۲ (۲)	۱۹ (۴)	شرط
۳ (۳)	۲	تسلی	۴ (۴)	۱۶ (۳)	انذار
۲ (۲)	۲	نفی		۱۴ (۳)	وعده
	۱	دعا	۲ (۲)	۱۳ (۳)	استثناء
۴ (۴)		ندا	۲ (۲)	۶ (۱)	ملامت
جمع نقش‌های مدنی: ۱۰۸			جمع نقش‌های مکی: ۴۹۴		

بررسی جدول فوق‌گویی آن است که از مجموع ۴۹۴ نقش زبانی بکار رفته در واژگان مکی، کاربرد توصیف با ۲۱۸ مورد فراوانی دارای بیشترین بسامد، انکار با ۵۹، امر با ۲۹، تأکید با ۲۴، نتیجه‌گیری و استدلال با ۲۳، سوال با ۲۲، شرط با ۱۹، انذار با ۱۶، وعده با ۱۴، استثناء با ۱۳، ملامت با ۶، سوگند با ۵، نهی و تعجب با ۴، اشاره، نفرین، احتمال، آرزو، بشارت، تسلی و نفی با ۲ و در نهایت دعا با ۱ مورد فراوانی به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

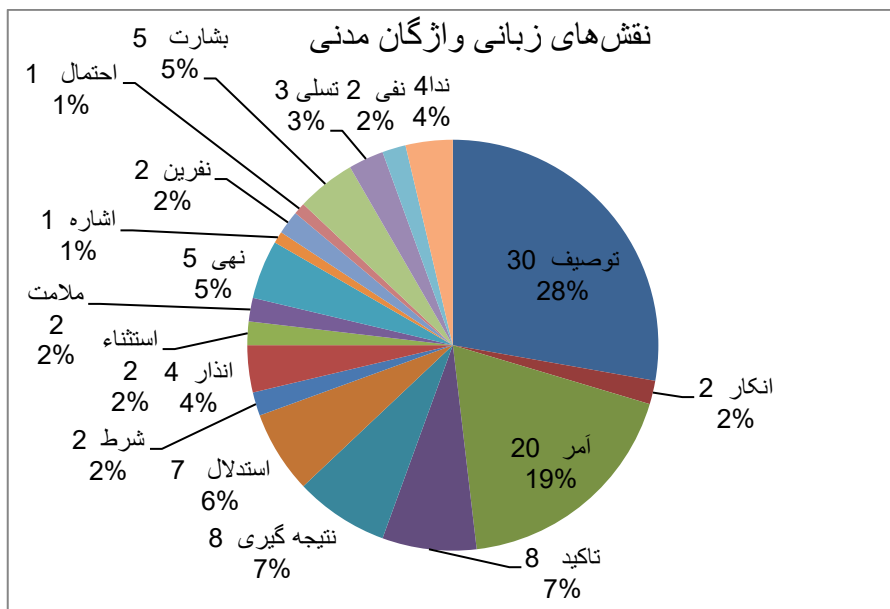
در خصوص نقش‌های واژگان مدنی هم می‌توان گفت که از مجموع ۱۰۸ نقش زبانی بکار رفته در واژگان مدنی، کاربرد توصیف با ۳۰ مورد فراوانی دارای بیشترین بسامد، انکار با ۲، امر با ۲۰، تأکید و نتیجه

گیری با ۸، استدلال با ۷، شرط با ۲، انذار با ۴، استثناء با ۲، ملامت با ۲، نهي با ۵، اشاره با ۱، نفرین با ۲، احتمال با ۱، بشارت با ۵، تسلی با ۳، نفي با ۲ و در نهایت ندا با ۴ مورد فراوانی مشاهده گردیدند. در اینجا به جهت گویایی بیشتر و بررسی مقابله‌ای این نقش‌ها، با استفاده از نمودارها، میزان کاربست و عملکرد آنها را به صورت درصدی مشخص کرده‌ایم.



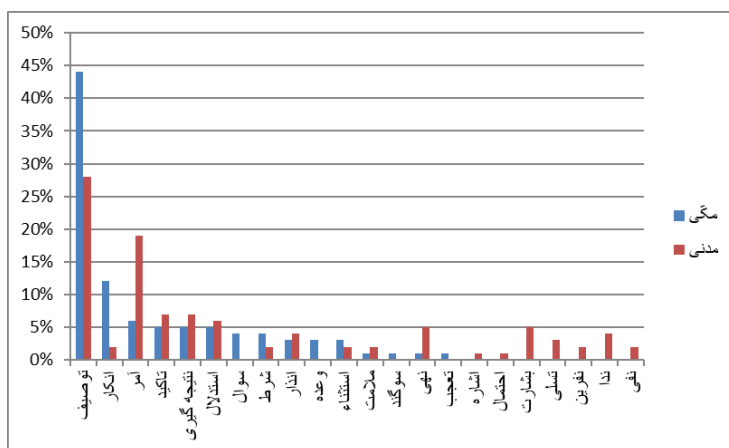
نمودار ۱. درصد کاربرد نقش‌های زبانی در واژگان مکی

نمودار فوق بیان‌گر آن است که در واژگان مکی، توصیف با ۴۴٪ کارکرد دارای بیشترین بسامد، انکار با ۱۲٪، امر با ۶٪، تأکید، نتیجه‌گیری و استدلال با ۵٪، سوال و شرط با ۴٪، انذار، وعدہ و استثناء با ۳٪، ملامت، سوگند، نهي و تعجب با ۱٪ فراوانی، به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. نقش‌های زبانی اشاره، نفرین، احتمال، آرزو، بشارت، تسلی، نفي و دعا به دلیل بسامد کم، کارکرد پایین‌تر از ۱٪ را به خود اختصاص داده‌اند.



نمودار ۲. درصد کاربرد نقش‌های زبانی در واژگان مدنی

از طرفی نمودار دوم (۲) نیز گویای آن است که در واژگان مدنی، توصیف با ۲۸٪ کاربرد دارای بیشترین بسامد، امر با ۱۹٪، تأکید و نتیجه‌گیری با ۷٪، استدلال با ۶٪، نهی و بشارت با ۵٪، انذار و ندا با ۴٪، تسلی با ۳٪، انکار، شرط، استثناء، ملامت، نفرین و نفي با ۲٪، اشاره و احتمال با ۱٪ به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.



نمودار ۳. مقایسه درصد کاربرد نقش‌های زبانی در واژگان مکی و مدنی

با توجه به نمودار بالا (۳)، به خوبی می‌توان کاربستِ نقش‌ها یا کارکردهای زبانی استحصاء شده از واژگان دو گروه را به صورت مقابله‌ای مشاهده کرد. در اینجا دیده می‌شود که برخی از نقش‌های زبانی تنها در یکی از دو گروه، و گاه با کاربستِ بالا بکار رفته است.

نقش‌های زبانی سوال با ۴٪، وعده با ۳٪، سوگند و تعجب با ۱٪ و البته آرزو و دعا تنها در واژگان مکی مشاهده گردیده و از طرفی نقش‌های زبانی اشاره و احتمال با ۱٪، بشارت با ۵٪، تسلی با ۳٪، نفرین با ۲٪، ندا با ۴٪ و نفی با ۲٪ در واژگان مدنی دارای کاربرد مشهودی بوده‌اند. در خصوص ما بقی نقش‌های موجود هم می‌توان گفت که برخی در واژگان مکی و برخی نیز در واژگان مدنی با کاربرد بیشتری مشاهده گردیده است. نقش زبانی توصیف با ۴۴٪ کاربرد در واژگان مکی بیشترین کاربرد را داشته، که در مقایسه، در واژگان مدنی کاربرد ۲۸٪ را نشان می‌دهد. نقش زبانی انکار در واژگان مکی ۱۲٪ در مدنی ۲٪، شرط در مکی ۴٪ در مدنی ۲٪، استثناء در مکی ۳٪ در مدنی ۲٪، بکار رفته است. برخی نقش‌های زبانی که در واژگان مدنی پرکاربردتر از واژگان مکی بوده‌اند نیز به قرار زیر می‌باشد: نقش زبانی امر در واژگان مدنی ۱۹٪ در مکی ۶٪، تأکید و نتیجه گیری ۷٪ در مدنی ۵٪ در مکی، استدلال ۶٪ در مدنی ۵٪ در مکی، انذار ۴٪ در مدنی ۳٪ در مکی، ملامت ۲٪ در مدنی ۱٪ در مکی، نهی ۵٪ در مدنی ۱٪ در مکی.

بررسی جدول فوق الذکر حاکی از آن است که اولاً همگی نقش‌های ذکر شده به استثناء نقش ندا در واژگان مکی مشاهده گردید، در حالیکه در واژگان مدنی ۶ نقش از نقشه‌های موجود یافت نشد. نکته دیگر آن است که، آن ۶ نقش که مخصوص واژگان مکی می‌باشد، قابل بررسی و تامل هستند. تعجب، سوال، سوگند، وعده، آرزو و دعا، نقش‌های خاص واژگان مکی می‌باشند که با یک بررسی ساده می‌توان ارتباط بین آنها را کشف کرد.

موضوعی موجب تعجب مخاطب می‌شود و در پی آن سوالی مطرح می‌شود. همچنین وی در موضوعی سوگند یاد می‌کند و پس از آن وعده می‌دهد که فعلی را انجام دهد و نیز آرزویی را برای خود در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به آن آرزو، دعا می‌کند. این نقش‌های زبانی از خصوصیات واژگان مکی می‌باشند که در واژگان مدنی یافت نشد.

به عنوان نمونه، در داستان ورود فرشتگان بر حضرت ابراهیم و همسرش و بشارت دادن به آنها به فرزنددار شدن، همسر وی پس از اینکه از روی تعجب خندید، سوال کرد: «ای وای بر من! آیا فرزند آورم در حالی که من پیرزنم و این شوهر من است که در سن سالخوردگی است؟ یقیناً این چیزی بسیار شگفت‌انگیز است!»، «قَالَتْ يَا وَيْلَتَى أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ» (هود:

و یا، خداوند در سوره مریم آیه ۶۸ پس از سوگند به خود، به منکران قیامت چنین وعده عذاب می‌دهد: «پس به پروردگارت سوگند، آنان را با شیطان محشور می‌کنیم سپس در حالی که به زانو در آمده‌اند گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد»، «فَوَزَّبَكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا».

در خصوص دو نقش زبانی آرزو و دعا، مجدداً به داستان حضرت ابراهیم مراجعه می‌کنیم؛ آنجا که پس از سکونت در سرزمین بی آب و علف مکه و آرزوی برپایی نماز در آنجا، وی به خداوند عرض کرد: «... پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان علاقه‌مند و متمایل کن و آنان را از انواع محصولات و میوه‌ها روزی بخش. باشد که سپاسگزاری کنند»، «... فَأَجْعَلْ أُفَيْدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْتُفِقَهُمْ مِنَ التَّمْرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ» (ابراهیم: ۳۷).

جنبه دیگری که از جدول یک می‌توان مورد بررسی قرار داد درصد بیشتر یا چشم‌گیر کاربردی برخی از نقش‌ها در یکی از دو گروه، در مقابل دیگری می‌باشد.

استفاده ۴۴٪ از نقش توصیف در واژگان مکی در مقابل ۲۸٪ در واژگان مدنی و نیز ۱۲٪ انکار در مقابل ۲٪، قابل تأمل است. از طرف دیگر، وجود ۷٪ نقش نتیجه‌گیری و ۶٪ نقش استدلال در واژگان مدنی در مقابل ۵٪ در واژگان مکی، می‌تواند در استخراج نتیجه موثر باشد.

توصیف یک موضوع، از مراحل ابتدایی و اولیه ارائه یک مطلب به مخاطب می‌باشد و می‌تواند نشانه عدم پختگی ذهنی و عقلی وی باشد؛ و نیز انکار، آن هم در مقابل کلام وحی، نشانگر لجاجت و جمود فکری مخاطبان (واژگان مکی) می‌باشد.

همچنین بیان دلیل و ارائه منطق قوی در گفتمان، نشان از رشد فکری و منطقی مخاطب است. کاربرد بیشتر و برتر نقش‌های نتیجه‌گیری و استدلال در واژگان مدنی، نشانگر رشد فکری و ذهنی و نیز تغییر در ارائه مطالب، از مسائل حسنی به سوی مسائل ذهنی، منطقی و عقلی است. با نگاه به درصد کاربرد دو نقش زبانی امر و نهی به روشنی نمود برتر کاربردی آنها در واژگان مدنی دیده می‌شود. واژه‌هایی چون «الْمَجِيضُ، زَانِيَةٌ، مَصَاجِعِ، أَنْفِ، الْغَائِطِ، ...» در برخی آیات، همگی دارای نقش زبانی امر و واژه‌های «أَزْلَامُ، عَوْرَاتٍ، رَفْتٌ، ...» دارای نقش زبانی نهی می‌باشند. آنچه از سیاق آیات مربوط به این واژه‌ها استخراج می‌گردد آن است که این واژگان غالباً به جهت ارائه احکام شرعی و مسائل اجتماعی در آیات مدنی به کار برده شده‌اند.

نقش زبانی بشارت با ۵٪ و تسلی با ۳٪ کاربرد در واژگان مدنی، در مقابل ۲ مورد فراوانی که به نیم درصد کاربرد در واژگان مکی هم نمی‌رسد از جمله موارد قابل ذکر در بررسی مقابله‌ای این واژگان می‌باشد.

آخرین نکته قابل ذکر درباره جدول فوق، در خصوص کاربرد نقش زبانی ندا می‌باشد. این نقش در واژگان مدنی دارای ۴٪ کاربرد است در حالیکه در واژگان مکی مورد مطالعه، کاربردی از آن مشاهده نگردید. هر دو واژه «بِهَيْمَةَ وَصَيْدُ» که با کاربرد نقش ندا مورد استفاده قرار گرفته‌اند، درباره احکام شرعی و خصوصاً احکام مناسک حج، مسلمانان را مورد ندا و خطاب قرار می‌دهند که در اینجا نیز بیان احکام که از ویژگی‌های واژگان مدنی می‌باشد مشاهده می‌گردد.

نتیجه‌گیری

در راستای هدف پژوهش و پس از بررسی داده‌های مورد نظر، استخراج و تجزیه و تحلیل نقش‌های زبانی آنها، نتایج ذیل حاصل می‌گردد:

از آنجا که واژه‌های زبان به عنوان ابزار اصلی زبان، وظیفه حمل و ارائه نقش‌های زبانی را بر عهده داشته و بیانگر مقصود و منظور گوینده می‌باشند، لذا بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که تنوع کاربرد نقش‌های زبانی در واژگان مکی بیشتر از واژگان مدنی می‌باشد تا جایی که شش نقش زبانی «تعجب، سوال، سوگند، وعده، آرزو و دعا» صرفاً در واژگان مکی به کار رفته‌اند.

همچنین کاربرد برخی از نقش‌های زبانی در یکی از دو گروه واژگانی، نمود برجسته‌ای را دارا می‌باشد. «توصیف و انکار» دو نقش زبانی می‌باشند که در واژگان مکی پر رنگ تر بوده و در مقابل نقش‌های زبانی «نتیجه‌گیری، استدلال، امر، نهی، بشارت، تسلی و ندا» در واژگان مدنی چشم گیرتر می‌باشند که می‌تواند به دلیل شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی مخاطبان آنها باشد.

نکته پایانی اینکه، بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بین واژگان مورد مطالعه از طرفی و واژگان همنشین در آیات قرآن کریم انسجام و ارتباط معنایی وجود دارد. وجود واژه‌هایی در خصوص اصول دین یعنی توحید، معاد و نبوت در واژگان مکی و در مقابل واژه‌هایی با موضوعات استدلال عقلی، بیان و تشریح احکام دینی، امر در انجام فرائض و یا نهی در ترک محرمات در واژگان مدنی گواه بر این مدعی است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابوزید، نصر حامد. ۱۹۹۶م، مفهوم النص: دراسة فی علوم القرآن، بیروت: مرکز الثقافی العربی.
- اچسون، جین. ۱۳۷۶ش، زبان‌شناسی همگانی، ترجمه حسین وثوقی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- افراشی، آریتا. ۱۳۸۱ش، اندیشه‌هایی در معنی‌شناسی (۱۱ مقاله)، تهران: فرهنگ کاوش.

- العموش، خلود. ۱۳۸۸ش، **گفتمان قرآن**، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۶۱ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه احد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۸۸ش، **مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید**، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- باقری، مهری. ۱۳۸۰ش، **مقدمات زبان‌شناسی**، تهران: قطره.
- پالمر، فرانک. ۱۳۸۵ش، **نگاهی تازه به معناشناسی**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: کتاب‌ماد.
- حجتی، محمد باقر. ۱۳۶۵ش، **اسباب النزول**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- راغب الاصفهانی، حسین ابن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم.
- رضائی، محمود. ۱۳۶۰ش، **واژه‌های قرآن**، تهران: انتشارات مفید.
- روحانی، محمود. ۱۳۶۸ش، **المعجم الاحصایی**، مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- سجودی، فرزانه. ۱۳۸۷ش، **نشانه‌شناسی**، تهران: نشر علوم.
- سیوطی، جلال‌الدین. ۱۴۱۶ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، لبنان: دارالفکر، طبع ۱.
- شعیری، حمید رضا. ۱۳۸۵ش، **تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان**، تهران: انتشارات سمت.
- صفوی، کورش. ۱۳۸۳ش، **از زبان‌شناسی به ادبیات**، تهران: سوره مهر، چاپ سوم.
- فضل، صلاح. ۱۹۸۷م، **بلاغه الخطاب و علم النص**، قاهره: مؤسسه مختار للنشر.
- فقیهی‌زاده، عبد‌الهادی. ۱۳۷۴ش، **پژوهشی در نظم قرآن**، تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
- گیررتس، دیرک. ۱۳۹۳ش. **نظریه‌های معناشناسی واژگانی**، ترجمه کورش صفوی، تهران: انتشارات علمی.
- لاینز، جان. ۱۳۸۵ش، **مقدمه‌ای بر معناشناسی زبان‌شناختی**، ترجمه حسین واله، تهران: چاپ اول، انتشارات گام‌نو.
- نیک‌اندیش، یونس. ۱۳۷۹ش، **اوصاف قرآن در قرآن**، یاسوج: انتشارات فاطمیه.
- وندایک، تئون، ای. ۱۳۸۲ش. **مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی**. گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هوف، گراهام. ۱۹۸۵م، **الاسلوب و الاسلوبیه**، ترجمه کاظم سعد‌الدین، بغداد: دارالشؤون الثقافیه.
- یقطین، سعید. ۱۹۸۹م، **انفتاح النص الروایی**، بیروت: مرکز الثقافی العربی.

مقالات

- آریان‌فر، مهدی و آهنگ، علی. ۱۴۰۰ش، «**سبک‌شناسی واژگانی «وعد» در سوره مکی و مدنی**»، دوفصلنامه مطالعات سبک‌شناسی قرآن کریم، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۵-۸۰.
- انصاری، نرگس و شمس‌الدینی، اعظم. ۱۳۹۶ش، «**تحلیل ساختاری متن سوره الحاقه**»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۷۸-۱۶۱.
- حجتی، محمد باقر و حاجی، محمد علی. ۱۳۸۸ش، «**بررسی تناسب آیات و محورهای آن در سوره مبارکه طه**»، نامه الهیات، سال سوم، شماره نهم، صص ۷۵-۵۷.
- دهقانی‌فارسانی، یونس. ۱۳۸۷ش، «**ساختار سوره انشقاق**»، بلاغ‌مبین، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۴-۳.

- زارع، سعید. ۱۳۸۹ ش، «تجزیه و تحلیل نقش متنی جزء بیست و هشت قرآن کریم بر اساس الگوی هلیدی و حسن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات فارس.
- شجاعی، محمدصادق و دیگران. ۱۳۹۴ ش، «کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی»، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال هشتم، شماره ۱۵، صص ۳۸-۷.
- شریفی، علی. ۱۳۹۲ ش، «نقد و بررسی آراء ایزوتسودر حوزه معنانشناسی قرآن کریم»، حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۰۱-۸۱.
- قراملکی، فرامرز و همکاران. ۱۳۹۶ ش، «مؤلفه‌های معنایی ماده "کرم" در قرآن بر اساس معنانشناسی ساختاری و رویکردهای تحلیلی منطقی»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال پنجم، شماره ۱، صص ۹۹-۷۷.
- قیطوری، عامر. ۱۳۸۵ ش، «قرآن و گذر از نظم خطی: یک بررسی زبان شناختی»، مجله زبان و زبان‌شناسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۲-۱۷.
- لطفی، مهدی. ۱۳۹۰ ش، «پیوستگی متنی سوره‌های قرآن کریم»، مطالعات قرآن و حدیث، سال چهارم، شماره ۲، صص ۱۵۰-۱۲۹.
- مرادی، مجتبی. ۱۳۸۸ ش، «تجزیه و تحلیل متنی جزء بیست و هفتم قرآن کریم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- میرباقری، محسن. ۱۳۸۶ ش، «ارتباط آیات در سُور قرآن کریم با نگاهی به سوره التحریم»، رشد آموزش قرآن، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۱۵-۶.
- نیوورث، آنجلیکا. ۱۳۸۶ ش، «شکل و ساختار قرآن»، ترجمه و نقد اسکندرلو، قرآن پژوهی خاورشناسان، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۳۲-۱۱.
- همامی، عباس. ۱۳۸۴ ش، «درآمدی بر علم تناسب آیات با تأکید بر سوره جمعه»، مجله علمی پژوهشی مطالعات اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۷۰، صص ۱۸۶-۱۷۳.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: زارع سعید، شرف‌زاده محمدحسین، زارع آمنه، حضوری سعید، کارکردهای زبانی و روابط معنایی در واژگان مکی و مدنی قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، بهار ۱۴۰۳، صفحات ۱۳۲-۱۱۱.